

صدای مردم دشت

سطرهایی برای «جبار رحمتی»، هنرمند موسیقی مقامی شرق خراسان و آوازهایی که خواند



حسن احمدی فردا صدای «جبار رحمتی» را اولین بار باید از رادیو شنیده باشم؛ از برنامه «دهکده» شاید، در سال های نوجوانی؛ وقتی یاد گرفته بودم نوار «مکسل» بخرم و چیزهایی را که دوست دارم، از رادیو ضبط کنم؛ و مگر می شد آن صدای جرس را دوست نداشت، صدایی که صدای مردم دشت بود. بعدها نوا ری هم از او آمد و حسابی گل کرد؛ آن قدر که همیشه صدای او از ضبط همه نوار فروش هایی که با موتور وجعبه نوارهایشان، این طرف و آن طرف می چرخیدند، پخش می شد و او با دوتار «احمد رحم دلخواه» و «حسین دامن پاک» می خواند که ای دسته گل مرجب، با بوی ریحان آمدی ...

و این، فقط یکی از بیست و چند نوا ری است که او از سال های نوجوانی تا جوانی خوانده است.

- نوجوان تابیادی در استریو قدس

او از نوجوانی آواز می خوانده و صدایش خیلی زود به گوش «حیدر قدسی» رسیده است تا در «استریو قدس» تربت جام، پذیرای این نوجوان تابیادی باشد؛ آن هم با دوتار «ذوالفقار عسکریان». صدای «جبار رحمتی»، از همان وقت ها، جان می داده برای «کله فریاد»؛ چیزی که در گویش شرق خراسان، «چارییتی» خوانی، خوانده می شود. و این طوری «جبار رحمتی» می شود پای ثابت نوارهایی که از استریو قدس می آمدو تا دورترین نقطه های خراسان می رفت. در مشهد بیشتر نوارفروشی های از این دست، حوالی پنجره پایین خیابان بودند و صدای «جبار رحمتی»، یکی از آن صداهایی بود که همیشه در آن حوالی شنیده می شد.

- باری از دنیا که باید تنهایی به دوش کشید

اسم «جبار رحمتی» باید بیشتر از این ها سر زبان های افتاد. روز روزگار اما به بعضی ها مجال نمی دهد تا به قدر هنرمندی شان، قدر ببینند. سبک زندگی آدم ها هم البته در این دیده شدن ها و دیده نشدن ها، نقش دارد. اما چه کسی از دل آدم خبر دارد؟! چه کسی می تواند به آدم بگوید که در این چهار روز عمر، چطور زندگی کند؟! آدم، خودش می داند و دلش و باری از دنیا که باید تنهایی به دوش بکشد. «جبار رحمتی» برای این سال ها، در روزگار میان سالی در محافل موسیقی حضور پررنگی نداشت. در این سال ها که گاه آوازی از اودر ویذئویی چیزی به گوش می رسید که یادآور همان صدای جرس بود. این اواخر به لطف هنرمندان تابیادی، تلاش های فراوانی انجام گرفت تا بلکه باز هم آلبومی از هنرمندی های او به بازار بیاید... که البته ناتمام ماند.

- پایان یک آواز خوش

آخرین ویدئویی که از «جبار رحمتی» منتشر شده، مال یکی دو هفته قبل است. ویدئو را دیروز پرریوز، در یکی از کانال های تابیادی دیدیم. سرزمین زعفران نشسته بود و برای خودش آوازهای غمناک می خواند، برای زندگی برحسرتش... «جبار رحمتی» بعد از ظهر دوشنبه به خاطر ایست قلبی، در بیمارستان خاتم الانبیا^(ع) تابیداد. درگذشت و دیروز در آرامستان این شهر به خاک سپرده شد.

خدا حافظ آقا جبار! زندگی با تو آن قدرها مهربان نبود؛ حتما اما حضرت حق، مهربان تر از ما بنده هایش، با تو تا خواهد کرد. حتم دارم آن طرف، جای بهتری داری و جایگاه بهتری. صدایت اما با ما هست؛ خاطرت جعم.

قدیمی ترین مسجد مشهد در دل حرم



تصویری که می بینید، نمایی از مسجد بالاسر است در دهه ۴۰ قرن ۱۴ خورشیدی که اکنون نزدیک ترین مکان به ضریح مطهر حضرت رضا^(ع) است؛ مسجد کوچک مستطیل شکلی که از دوره غزنوی بوده است و بیش از ۱۰ قرن قدمت دارد و در مغرب حرم واقع شده است. در برخی منابع آمده است که ابوالحسن عراقی (از رجال مشهور دوره سلطان محمود غزنوی)، بانی آن بوده و خود وی نیز در همان جامدفون است. روایت است که شاهزاده محمود ولی میرزا، پسر فتحعلی شاه قاجار، این مسجد را به حرم متصل کرده و تعمیراتی در آن انجام داده است. مسجد بالاسر دارای کاشی کاری و آینه کاری بی نظیری است. بخشی از این کاشی ها در عهد صفویه و قسمتی از آینه کاری ها هم در زمان حکمرانی محمد حسن خان سالار انجام شده است.

در سمت شرقی مسجد، صفه ای وجود دارد که از آن به حرم رفت و آمد می شده است. در سمت غربی نیز صفه ای وجود دارد که بین مسجد و رواق دارالسیاده قرار می گرفته و فاصله بین آن، پنجره ای از نقره نصب بوده است. در ضلع جنوبی مسجد نیز محرابی قرار دارد که با کاشی های معرق زیبایی ساخته شده است.

مروری بر زندگی و خدمات استاد مهدی ولائی که ۶۶ سال در آستان قدس رضوی وظیفه حفظ گنجینه ای بزرگ را بر عهده داشت

مأمور «ثبت احوال» نسخه های خطی حرم



مرحوم مهدی ولائی در بازدید مرحوم آیت... طبسی از بخش نسخ خطی آستان قدس رضوی

مرضیه ترابی| گنجینه نسخ خطی کتابخانه آستان قدس رضوی، با بیش از ۵۶ هزار جلد کتاب، یکی از غنی ترین گنجینه های نوع خود در سراسر دنیا است. افزون بر صد ها جلد قرآن نفیس که نگارش برخی از آن ها به ائمه اطهار^(ع) منسوب است، ده ها کتاب به خط مؤلف در این گنجینه وجود دارد که از میان آن ها می توان به نوشتارهای غیاث الدین جمشید کاشانی و علامه مجلسی اشاره کرد. هر چند که شکل گرفتن این مجموعه، حاصل یک فعالیت هزارساله است. در قرن اخیر و به ویژه در چند دهه گذشته، این گنجینه تحولات و سازمان دهی های نوین و بی سابقه ای را تجربه کرده است. آنان که با کتاب و به ویژه نسخه های خطی سروکار دارند، می دانند که فعالیت های مربوط به بازشناساندن این آثار، به ویژه فهرست نویسی و «کسرنویسی» از چه ظرافت خاصی برخوردار است و به چه دانش و توانمندی منحصر به فردی نیاز دارد؛ رنجی که فهرست نویسان کتابخانه آستان قدس رضوی در یک قرن گذشته به جان خریدند و البته اسباب فرسایش جسم آن ها را فراهم کرد اما نقشی بسیار مهم و راهبردی در معرفی این گنجینه بزرگ و فوق العاده ارزشمند داشت. ۱۲۸ آبان ماه، سالروز درگذشت استادی است که در واقع، فهرست نویسی نوین را در کتابخانه آستان قدس رضوی نهادینه کرد و حضورش در آن فضای خاص، فرصت مغتنمی را برای اهل علم و دانش به وجود آورد؛ روان شهاد استاد مهدی ولائی.



۱

تحصیل تا درجه اجتهاد

درباره شخصیت و تأثیرگذاری استاد ولائی، در این چند سطر محدود نمی توان سخن گفت. او پرورش یافته نسلی بود که با دود چراغ و زانوی ادب زدن در برابر استادان نام آور، آشنا بودند و می دانستند گوهر دانش را جز به رنج نمی توان به دست آورد. استاد مهدی ولائی در حدود سال ۱۲۸۱ خورشیدی، در شهر نجف اشرف و در خانواده ای ایرانی، اهل علم و صاحب مقامات حوزوی متولد شد. پدرش، مرحوم حاج یوسف شفتی، اصالتا از اهالی طالقان و از شاگردان آخوند خراسانی بود و درجه اجتهاد داشت. سال های نوجوانی و جوانی استاد مهدی ولائی عمدتاً در زادگاهش وزیر سایه اهل علم آن سامان سپری شد. علاوه بر پدر، علمایی همچون شیخ مرتضی طالقانی هم در فراگیری مقدمات علوم توسط او نقش داشتند. استاد بعد از فراگیری مقدمات، فرصت ورود به مدارج عالی علمی را یافت و پای درس استادان بزرگی همچون آیات عظام سید ابوالحسن اسفهان‌ئی، ضیاء الدین عراقی و بعدها میرزا مهدی آشتیانی نشست و به درجه اجتهاد رسید. استاد ولائی هم زمان به فراگیری فلسفه و حکمت رو آورد و در درس میرزا ابوالقاسم رقه ای شرکت کرد.

۲

چگونگی ورود به کتابخانه آستان قدس

مرحوم ولائی در سال ۱۳۱۴ خورشیدی، اندکی بعد از واقعه مسجد گوهرشاد، راه ایران را پیش گرفت تا به خانواده اش در تهران ملحق شود. مدتی گرفتار بیماری شد و ناچار در همدان رحل اقامت افکند. اما سرانجام خود را به تهران رساند. با وجود این، شرایط آن سامان را موافق طبع خود نیافت و تصمیم گرفت راه مشهد را پیش بگیرد. خودش بعدها، در سال ۱۳۲۷ خورشیدی در گفت وگو با بخش تاریخ شفاهی کتابخانه و مرکز اسناد آستان قدس رضوی به این موضوع اشاره کرده و گفته است، «از تهران خوشم نیامد و تصمیم گرفتم به مشهد بروم. سال ۱۳۱۴ هنوز جاده ها [کاملاً] آسفالت‌ه نبود. برخی آسفالت‌ه، برخی [با غلتک] کوبیده... به هر بدبختی بود، خودم را به مشهد رساندم.» در مشهد بود که دریافت دیگر نمی تواند به لباس روحانیت ملبس باشد. پهلوی اول بر اهل علم سخت گرفته و طرح دشمنی با آن ها را در انداخته بود. استاد ولائی که ناچار بود برای معاش شغلی داشته باشد، در آزمون استخدام دولتی شرکت کرد و چون سواد بالا و خط نیکویی داشت، نظر همه را به خود جلب کرد. ابتدا خواستند او را به عنوان بخشدار یکی از مناطق خراسان تعیین کنند. شغل نان و آب داری بود اما با مذاق و تربیت استاد جور در نمی آمد. در همین ایام بود که روان شاد «اوکتایی»، رئیس وقت کتابخانه آستان قدس رضوی، از وی خواست که به کتابخانه برود، «[اوکتایی] گفت بیایید کتابخانه، ولی مطمئن باشید که کتابخانه حقوقش کم است، درآمد ندارد، یعنی اینجا [برخلاف جاهای دیگر] جای حق حساب [گرفتن] نیست.» استاد پیشنهاد اوکتائی را پذیرفت و در سال ۱۳۱۵ خورشیدی، زمانی که حدود ۳۴ سال داشت، با حقوق ماهانه سی تومان در کتابخانه آستان قدس رضوی مشغول به کار شد و مسئولیت بایگانی استاد خطی را برعهده گرفت و هشت ماه به این کار اشتغال داشت. مدتی بعد «مسعودی»، فهرست نویس کتابخانه، دارفانی را وداع گفت و چون مسئولان امر استاد ولائی را در زمره اهل فن می دیدند، از وی خواستند که جای مرحوم مسعودی را بگیرد. به این ترتیب، استاد فهرست نویس کتابخانه آستان قدس رضوی شد و ادامه انجام کار سنگینی را که در مراحل ابتدایی قرار داشت، برعهده گرفت.

۳

اشتغال تمام وقت به فهرست نویسی

استاد تقریباً در تنظیم بیشتر مجلدات فهرست کتاب های خطی کتابخانه آستان قدس رضوی نقش داشت و برخی از آن ها را به تنهایی تألیف کرد. این نخستین بار در تاریخ کتابخانه آستان قدس بود که با چنین ظرافت و دقتی، کتاب های نفیس و خطی فهرست می شد. بی تردید تسلط استاد بر مباحث و شاخه های گوناگون علم بر این روند بی تأثیر نبود. این مسئله و البته باریک بینی و دقت مثال زدنی استاد ولائی باعث می شد که در فهرست نویسی هیچ نکته ای از نکات مربوط به یک اثر را از قلم نیندازد. تلاش او برای تدوین مجلدات چهارم تا ششم فهرست تا انتشار مجلدات یازدهم و هجدهم ادامه یافت و استاد با عشق و علاقه ای که مختص خودش بود، آثار مربوط به حکمت و کلام، فلسفه و منطق، تفسیر، اخبار و احادیث، فقه، تجوید و قرائت، اخلاق، رجال و انساب، عرفان، عقاید و حتی ریاضیات را فهرست کرد و توانمندی زائد الوصف خود را در این عرصه به رخ همگان کشید. خوب است بدانید که نگارش، تدوین و انتشار این آثار تا سال ۱۳۸۰ خورشیدی و اندکی پیش از وفات استاد ادامه داشت؛ ۶۶ سال کار مداوم که زمینه ساز شکل گرفتن تجربه ای سترگ در این عرصه بود. همین تجربه و باریک بینی به شناسایی نسخه هایی منحصر به فرد در کتابخانه آستان قدس رضوی انجامید که یکی از آن ها، نسخه ای از صحیفه سجادیه به روایت «ابوبکر محمد بن علی کرمانی»، از علمای بزرگ اهل سنت، است. استاد ولائی از نثری فاخر و مثال زدنی برخوردار بود که در آثار قلمی وی کاملاً هویداست. در ارج نامه ای که به پاس بیش از شش ده فعالیت او در عرصه فهرست نویسی و نسخه شناسی تهیه و تنظیم شد، متن چهار مقاله مستقل استاد با عناوین «نامه پیغمبر^(ص) به مقوقس»، «شرح قصیده رضوی»، «قصیده تاییه رضوی» و «سید علی نیاز» آمده است که نشان از توانمندی های کم نظیر وی در عرصه نگارش و تنظیم متن دارد.



مرحوم مهدی ولائی در جمع تعدادی از خادم آستان قدس رضوی

